

مستندات قرآنی بصیرت از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای رحمته الله علیه

□ محمدنقی قاضی *

چکیده

بصیرت یک قدرت معنوی و عنایت الهی است که باعث می‌شود انسان‌ها در فتنه‌ها و انحرافات حق را از باطل تشخیص دهند، بصیرت که آگاهی و تشخیص درست است و از این موضوع در جامعه امروزی غفلت نشان داده میشود و به آن کم پرداخته می‌شود این موضوع انتخاب شده است و این تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی به این موضوع می‌پردازد، بصیرت از راه‌های مختلف به دست می‌آید.

یکی از راه‌هایی که به انسان بصیرت می‌دهد توجه و تمسک به آیات قرآن و سخنان اهل بیت علیهم السلام و همچنین صفای نفس و تقرب به خدا و توجه به سیره و سخنان بزرگان دین می‌باشد، سخنان رهبر انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای (زید عزه) آکنده از دعوت به بصیرت و نقش آن در دشمن شناسی است، لذاها این تحقیق با استفاده از سخنان ایشان درباره ی اهمیت و ضرورت بصیرت، سطوح و لایه‌های بصیرت، راه‌های تحقق بصیرت بحث خواهد کرد. و با استفاده از استناد به قرآن به تحلیل و بررسی سخنان ایشان خواهد پرداخت در نتیجه اگر بصیرت نباشد ممکن است آدم به جای اینکه به دشمن ضربه بزند به دوست خود ضرر برساند.

کلیدواژه‌ها: بصیرت، آیت الله خامنه‌ای، عدم بصیرت، سطوح بصیرت.

۱. مقدمه

یکی از موضوعاتی که رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) همواره به ویژه طی چند ماه اخیر در بیشتر فرمایشاتشان به طور جدی بر آن تاکید داشته اند، مفهوم بصیرت و ضرورت برخورداری و بهره مندی از آن به عنوان راهی برای شناخت حق از باطل است.

در بیانات آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)، بررسی شد که آنچه بیش از هر عاملی در رسیدن یا نرسیدن به پیروزی و موفقیت تاثیر داشته، میزان بهره مندی و برخورداری مردم و نخبگان از بصیرت بوده است. به این معنی که در هر برهه ای که مردم و نخبگان جامعه از بصیرت بهره برده اند، راه درست انتخاب شده و امور به نحو احسن پیش رفته است و برعکس در مواقعی که مردم بدون بصیرت عمل کرده اند، هم خودشان و هم جامعه را با مشکلاتی روبرو کرده اند.

به جرأت می توان گفت دلیل همه انحرافات سیاسی و اعتقادی که تاکنون امت ها با آن روبرو بوده اند و بعضا به نابودی و انحطاط آنان نیز منجر شده، رفتارها، تصمیم گیریها و موضع گیریهای بدون بصیرت بوده است.

در این نوشتار تلاش می شود درباره مفهوم بصیرت، موانع و راه های کسب آن، آثار و نتایج بصیرت از نگاه رهبر معظم انقلاب یادآوری کنیم. و همه مطالب ایشان را با تکیه بر آیات قرآنی مستند سازی کنیم.

۲. کلیات و مفاهیم

۲-۱. معنای لغوی بصیرت

بصیرت از ماده (بصر) است و بصر به معانی بینایی، دیدن، مشاهده حسی اشیاء و دیدن قلبی و نظر کردن آمده است و بصیرت به معانی عقیده قلبی، معرفت قلبی، زیرکی، هوشمندی، علم، آگاهی، شناخت و مانند آن می باشد. «احمد بن فارس» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۵۳) این لغت را به دو شاخه معنایی اصلی تقسیم کرده است: ۱- علم، برهان، سپر، روشن بودن

۲. درشتی و زمختی؛ و نیز «ابن منظور» (ابن منظور، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۶۴) در زیر مدخل «بصر» تعدادی معنی برای بصیرت آورده است: حجت و برهان، عقیده قلبی، هوش، عبرت، شناخت، یقین، زیرکی. همچنین «راغب اصفهانی» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۷) در تشریح معانی «بصر» و «بصیرت» این گونه نوشته است: نیروی ادراک قلب، دیدن همراه با رؤیت قلبی، در لغت نامه دهخدا نیز واژه «بصیرت» این طور معنا شده است: بینایی، دانایی، هوشیاری و غیره. به بیانی بصیرت به معنای آن است که انسان در گرد و غبار فتنه‌ها و تاریکی‌هایی که شیطان ایجاد می‌کند تا حق و باطل با هم مخلوط شود، حق را از باطل بازشناسد و راه را گم نکند. البته این منوط به این است که راه کلی اسلام که همان راه توحید و ولایت است را به درستی شناخته و بدان ایمان کامل داشته و عملاً ملتزم به آن باشد.

۲-۲. معنای اصطلاحی بصیرت

در اصطلاح علوم تعاریف و کاربردهای اصطلاحی متعددی درباره «بصیرت» آمده است و در آیات مشتقات «بصر» ۴۸ بار و واژه «بصیرت» ۲ بار در قرآن کریم تکرار شده است و در نوزده آیه قرآن نیز خداوند با صفت «بصیرت» توصیف شده است و در تفسیر طبرسی (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۵۳۴) «بصیرت» نیز به صورت «شاهد، حجت و برهان» معنی شده است و برخی نیز آن را «یقین و حکمت» معنا کرده اند. اغلب مفسران در تفسیر آیه «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ» (انعام: ۱۰۴) به معنای «به راستی رهنمودهایی از جانب پروردگارتان برای شما آمده است پس هر که به دیده بصیرت بنگرد و حق را ببیند به سود خودش و هر کس از سر بصیرت ننگرد به زیان خود اوست و من بر شما نگهبان نیستم» و آیه «وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بِآيَةٍ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْتَهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْقَوْمِ يُوْمِنُونَ» (اعراف: ۲۰۳) به معنای «و هر گاه برای آنان آیاتی نیاموردی می‌گویند چرا آن را خود برنگزیدی بگو من فقط آنچه را که از پروردگارم به من وحی می‌شود پیروی می‌کنم این (قرآن) رهنمودی است از جانب پروردگار شما و برای گروهی که ایمان می‌آورند هدایت و رحمتی است».

از نظر ابوالفتح رازی که تفسیر «روض الجنان و روح الجنان» را تألیف کرده است. «بصیرت» در قرآن دلالتی است که موجب علم و آگاهی می‌شود به نحوی که گویی عالم، معلوم خود را مشاهده میکند. او در ادامه تفسیر آیه ۱۰۴ سوره انعام می‌گوید: هر کس که بداند و اندیشه کند. برای خود کرده است؛ علامه طباطبائی رحمته الله در تفسیر المیزان آورده است: کلمه بصائر جمع «بصیرت» است که به معنای وسیله دیدن است. گویا مراد از بصائر، حجت‌ها و ادله روشنی است که به وسیله آن‌ها، حق دیده می‌شود و میان حق و باطل تمیز داده می‌شود. در تفسیر نمونه (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۲۱، ص ۲۵۵) نیز در ذیل آیه بیستم سوره جاثیه بیان شده است که: «قرآن عین بصیرت و هدایت و رحمت است...».

در حقیقت «بصیرت» واژه پر کاربرد در منابع اسلامی است که در معانی اصطلاحی گوناگون اما غالباً مرتبط و متناسب به کار رفته است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود؛ در کتاب «موسوعه کشف اصطلاحات الفنون» آمده است که «بصیرت» عبارت است از قوه ای که در قلب شخص. به نور قدسی منور است و به وسیله آن حقایق امور و اشیاء را درک میکند. همان گونه که شخص به وسیله چشم، صورت‌ها و ظواهر چیزها را می‌بیند و نیز در کتاب «ترتیب العین» (فراهِیدی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۶۶) نیز آمده است که «بصیرت»، شناخت و معرفت و اعتقاد حاصل شده در قلب نسبت به امور دینی و حقایق امور است؛ برخی گفته اند: شناخت روشن و یقینی از دین، تکلیف، پیشوا، حجت خدا، راه، دوست و دشمن، حق و باطل، «بصیرت» نام دارد. (محدثی، ۱۳۸۱، ص ۲۵۵ تا ۲۵۷)

۳. ابعاد گوناگون بصیرت

رهبر معظم درباره ابعاد گوناگون بصیرت می‌فرماید:

جوانها باید فکر کنند، بیندیشند، بصیرت خودشان را افزایش بدهند. معلمان روحانی، متعهدان موجود در جامعه ی ما از اهل سواد و فرهنگ، از دانشگاهی و حوزوی، باید به مسئله ی بصیرت اهمیت بدهند؛ بصیرت در هدف، بصیرت در وسیله، بصیرت در شناخت دشمن، بصیرت در شناخت موانع راه، بصیرت در شناخت راه‌های جلوگیری از این موانع و برداشتن این موانع، این بصیرتها لازم است.

وقتی بصیرت بود، آنوقت شما میدانید با یکی طرفید، ابزار لازم را با خودتان بر میدارید. یک روز شما میخواهید تو خیابان قدم بزنید، خوب، با لباس معمولی، با یک دمپایی هم می‌شود رفت تو خیابان قدم زد؛ اما یک روز میخواهید بروید قله‌ی دماوند را فتح کنید، او دیگر تجهیزات خودش را میخواهد. بصیرت یعنی اینکه بدانید چه میخواهید، تا بدانید چه باید با خودتان داشته باشید (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر، ۸۸/۷/۱۵)

۳-۱. ضرورت بصیرت

اینجا مهم‌ترین وجوه ضرورت بصیرت از منظر رهبر معظم بیان می‌گردد:

۳-۱-۱. احتیاج هرگونه حرکت عمومی به بصیرت عمومی

برای یک مبارزه‌ی صحیح، منطقی و معقول و در عین حال قاطع، به چند احتیاج دارد: «انگیزه‌ی برخاسته از ایمان است. با دستور نمی‌شود ملتی را، جوانانی را وادار کرد به ایستادگی در یک میدان دشوار. باید انگیزه از دل بجوشد؛ از آن روزی هم که یک عده جوان رفتند سفارت آمریکا را که مرکز و پایگاه توطئه‌ی علیه انقلاب شده بود تسخیر کردند، امروز جوانان ما انگیزه‌شان کمتر نیست؛ اگر بیشتر نباشد. علت هم واضح است؛ چون سی سال تجربه، متراکم در تاریخ این ملت ثبت شده است. ذهن بیدار جوان، چشم باز جوان، ولو آن روزها را ندیده است؛ اما این تجربه‌ها را تحویل می‌گیرد. نسل به نسل تجربه‌های یک ملت غنی‌تر، عمیق‌تر و مفیدتر میشود. پس جوانان امروز ما از لحاظ انگیزه هیچی کسر ندارند. صرف نظر از یک عده انقلابی فرسوده‌ی پشیمان که به دلایل گوناگون، زندگی راحت را، سازش را ترجیح دادند، یا به ساز دشمن رقصیدن را عیب ندانستند» (بیانات رهبر معظم در دیدار دانش‌آموزان در آستانه ۱۳ آبان ۸۸/۸/۱۲).

همچنین رهبر معظم در ادامه بیان دارند که:

یک عنصر دیگری که لازم است، بصیرت است. اینی که ملاحظه میکنید بنده مکرر در دیدار جوانها، دانشجویان، قشرهای مختلف مردم، بر روی بصیرت تکیه می‌کنم،

برای این است که در وضع بسیار مهم امروز دنیا و موقعیت استثنائی کشور عزیز ما - که امروز در دنیا موقعیت ممتازی است - هرگونه حرکت عمومی به یک بصیرت عمومی احتیاج دارد. البته من این را هم به شما بگویم: امروز بصیرت جوانهای ما هم از جوانان آن روزگارِ اول انقلاب و در اثنای انقلاب، یقیناً بیشتر است. خیلی چیزها را شما امروز میدانید، برای شما جزو واضحات است، که آن روزها باید برای جوانها، آنها را شرح میدادیم، بیان می کردیم؛ اما امروز جوانهای ما اینها را میدانند؛ بصیرت بالاست. در عین حال من تأکید می کنم بر روی بصیرت. (بیانات رهبر معظم در دیدار دانش آموزان در آستانه ۱۳ آبان ۸۸/۸/۱۲)

۲-۱-۳. تشخیص دوست از دشمن

رهبر معظم تشخیص دوست از دشمن را از جمله ضروریات بصیرت می داند و می فرماید که: بلاهائی که بر ملتها وارد میشود، در بسیاری از موارد بر اثر بی بصیرتی است. خطاهائی که بعضی از افراد میکنند - می بینید در جامعه ی خودمان هم گاهی بعضی از عامه ی مردم و بیشتر از نخبگان، خطاهائی میکنند. نخبگان که حالا انتظار هست که کمتر خطا کنند، گاهی خطایشان اگر کمأ هم بیشتر نباشد، کیفأً بیشتر از خطاهای عامه ی مردم است - بر اثر بی بصیرتی است. بصیرت خودتان را بالا ببرید، آگاهی خودتان را بالا ببرید. من مکرر این جمله ی امیرالمؤمنین علیه السلام را به نظرم در جنگ صفین در گفتارها بیان کردم که فرمود: «أَلَا وَلاَ يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمُ أَهْلَ الْبَصْرِ وَ الصَّبْرِ». (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳)

همچنین ادامه می گوید که:

میدانید، سختی پرچم امیرالمؤمنین علیه السلام از پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله، از جهاتی بیشتر بود؛ چون در پرچم امیرالمؤمنین علیه السلام دشمن و دوست آنچنان واضح نبودند. دشمن همان حرفهائی را میزد که دوست میزند؛ همان نماز جماعت را که تو اردوگاه امیرالمؤمنین علیه السلام میخواندند، تو اردوگاه طرف مقابل هم - در جنگ جمل و صفین و نهروان - میخواندند. حالا شما باشید، چه کار میکنید؟ به شما میگویند: آقا! این طرفِ مقابل، باطل است. شما میگوئید: ای، با این نماز، با این عبادت! بعضی شان مثل خوارج

که خیلی هم عبادتشان آب و رنگ داشت؛ خیلی امیرالمؤمنین علیه السلام از تاریکی شب استفاده کرد و از اردوگاه خوارج عبور کرد، دید یکی دارد با صدای خوشی میخواند: «أَمَّنْ هُوَ قَانَتْ آنَاءَ اللَّيْلِ» (زمر: ۹) آیه ی قرآن را نصفه شب دارد میخواند؛ با صدای خیلی گرم و تکان دهنده ای. یک نفر کنار حضرت بود، گفت: یا امیرالمؤمنین علیه السلام! به به! خوش به حال این کسی که دارد این آیه را به این قشنگی میخواند. ای کاش من یک موئی در بدن او بودم؛ چون او به بهشت میرود؛ حتماً، یقیناً؛ من هم با برکت او به بهشت میروم. این گذشت، جنگ نهروان شروع شد. بعد که دشمنان کشته شدند و مغلوب شدند، امیرالمؤمنین علیه السلام آمد بالاسر کشته های دشمن، همین طور عبور میکرد و میگفت بعضی ها را که به رو افتاده بودند، بلندشان کنید؛ بلند میکردند، حضرت با اینها حرف میزد. آنها مرده بودند اما میخواست اصحاب بشنوند. یکی را گفت بلند کنید، بلند کردند. به همان کسی که آن شب همراهش بود، حضرت فرمود: این شخصی را میشناسی؟ گفت: نه. گفت: این همان کسی است که تو آرزو کردی یک مو از بدن او باشی، که آن شب داشت آن قرآن را با آن لحن سوزناک میخواند! اینجا در مقابل قرآن ناطق، امیرالمؤمنین علیه السلام (علیه افضل صلوات المصلین) میایستد، شمشیر میکشد! چون بصیرت نیست؛ بصیرت نیست، نمیتواند اوضاع را بفهمد. (بیانات در دیدار اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر - ۱۳۸۸/۰۵/۰۵)

۳-۱-۳. عدم کفایت صرف بصیرت برای حفظ از اشتباهات

رهبر معظم بصیرت صرف را نیز برای حفظ از اشتباهات و خطاها کافی نمی داند چنانکه بیان دارند که:

گاهی بصیرت هم وجود دارد، اما در عین حال خطا و اشتباه ادامه پیدا می کند؛ که گفتیم بصیرت شرط کافی برای موفقیت نیست، شرط لازم است. در اینجا عواملی وجود دارد؛ یکیش مسئله ی نبود عزم و اراده است. بعضی ها حقایقی را می دانند، اما برای اقدام تصمیم نمی گیرند؛ ... یک حرفی را زده است، می خواهد پای این حرف بایستد، به خاطر اینکه ننگش می کند از حرف خودش برگردد؛ که فرمود: «لعن الله اللجاج»؛ لعنت خدا بر لجاجت. افرادی هستند اطلاع هم دارند، واقعیت را هم

می دانند؛ در عین حال کمک می کنند به جهت گیری های مخالف، جهت گیری های دشمن. خیلی از این کسانی که پشیمان شدند و راه را برگشتند، یک روزی به شکل افراطی انقلابی بودند؛ اما یک روز شما می بینید درست در نقطه ی مقابل آن روز ایستاده اند و در خدمتِ ضد انقلاب قرار گرفته اند! ... عامل اصلی اینها هم غفلت از ذکر پروردگار، غفلت از وظیفه، غفلت از مرگ، غفلت از قیامت است؛ اینها موجب می شود که به کلی صد و هشتاد درجه جهت گیری شان عوض شود. البته بعضی هم اشتباه می کنند. نمی شود همه را مقصر دانست. ما بعضی ها را دیدیم که کسانی آمدند به عنوان هدیه، به عنوان اظهار ارادت، به اینها پول دادند؛ اینها هم پول را گرفتند، نفهمیدند اسم این رشوه است. آنچه در عالم واقع اتفاق می افتد، شبیه یکدیگر است؛ منتها متفطن شدن به اینکه اسم این رشوه است یا نه، مهم است. شما که یک جایی قرار داری که می توانی یک کاری را بر طبق میل او انجام دهی، او می آید این جور دست را هم می بوسد و به شما پول می دهد. خوب، این اسمش رشوه است؛ رشوه ی حرام همین است. در قضایای فتنه هم همین جور. بعضی در این فتنه و در این جنجال وارد شدند، نفهمیدند اسم این براندازی است؛ نفهمیدند این همان فتنه است... آنها نفهمیدند این فتنه است. یک حرفی را یکی گفت، اینها هم تکرار کردند. پس نمی شود همه را محکوم به یک حکم دانست. حکم معاند متفاوت است با حکم غافل. البته غافل را هم باید بیدار کرد. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان قم ۸۹/۸/۴)

۴. مستندات قرآنی عوامل بصیرت

برای دست یابی به بصیرت تاثیرگذار در شخص و جامعه و رفتارهای فردی و اجتماعی، می بایست ابزارهای درست و مناسبی چون چشم و گوش و مانند آن را داشت، چنان که لازم است از قلبی سالم و سلیم بهره مند بود؛ زیرا اگر قلب آدمی، بیمار و دارای پرده هائی از شقاوت و قساوت و جهل و بی تقوایی باشد، هرگز نمی توان از این قلب، امید بصیرت و روشنگری داشت.

رهبر معظم می فرمایند:

این بصیرت چگونه حاصل می شود؟ بر اثر گذاشتن از خود همین یک کلمه آسان، اما در عمل آن قدر مشکل که اکثر انسانها در همین دو قدم این یک کلمه، در جا زده

و مانده اند! بیچاره ما گرفتاران «خود»، و «من». وقتی به پشت سرت نگاه نکردی، وقتی به حرف این و آن توجه نکردی، وقتی نور هدایت الهی را دنبال کردی و با همه خطراتش به راه افتادی، دریچه دل باز می‌شود. مسئله این نیست که آن نهر آب خاصیتش این بوده که آبش ترس آورده مثلا، نه؛ آب، آب است، مسئله این است که آن کسی که در تمرین مبارزه با تشنگی می‌تواند بر نفس خودش فائق بیاید، این ورزش سنگین را می‌تواند انجام بدهد، همان اندازه نیرومند می‌شود و این نیرومندی در مواجهه با دشمن به دردش می‌خورد. آن ملت‌هایی، آن رزمندگانی، آن انسان‌هایی که در پیکارهای با نفس خودشان می‌توانند بر خواهش‌های نفسانی فائق بیایند، در پیکار با دشمن در میدان جنگ هم می‌توانند فائق بیایند. آن کسانی که تسلیم هوس‌های خودشان هستند، این‌ها در مقابل خطر مرگ و خطر افتادن به دست دشمن و خطر مواجهه با سختی میدان جنگ، دلیلی ندارد که ضعیف نشوند و دچار تردید نشود و منهزم نشوند. آن کسی در مواجهه با دشمن روبه‌رو و سختی‌های میدان جنگ تسلیم نمی‌شود که قبلا این تمرین را کرده باشد. لذا می‌بینیم در میدان‌های جنگ، آن‌هایی که مومن‌ترند، آن‌هایی که عاشقانه به سمت میدان جنگ می‌آیند، آن‌هایی که علاقه‌مند به هدف‌های الهی هستند، این‌ها پایدارتر و مقاوم‌تر هستند و اگر بقیه شرائط هم جمع بشود، یقیناً این‌ها پیروز می‌شوند. این نقش صبر و مقاومتی است که قبلا به وسیله امتناع از خواهش تمرین شده باشد (بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۶۵/۲/۲۱ ش).

اینجا با تفکیک برخی از عوامل مهم بصیرت که مورد اشارات رهبر معظم هستند، از دیدگاه قرآن و روایات ذکر می‌گردد:

۱-۴. شناخت حقیقت ولایت و ولی امر زمانه خود

شناخت ولی امر زمان در اسلام از چنان جایگاهی برخوردار است که بنا به فرموده رسول گرامی خدا ﷺ اگر کسی بمیرد و امام زمان خود را نشناسد همانند کسی است که به مرگ جاهلیت قبل از اسلام مرده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳، ص ۹۴، امینی، ۱۳۸۷، ج ۱۰، ص ۳۶۰، حرعاملی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۱۲۶).

لذا شناخت خود ولی امر مسلمین در این زمان راهکار اصلی و مهمی است که می‌تواند

انسان را به بصیرت برساند شناخت همانگونه که حضرت علی علیه السلام در سخنانی خطاب به دو تن از یاران خود در این باره می‌فرماید:

فَإِنَّهُ لَا يَبْلُغُ أَحَدٌ مِنْ شِيعَتِنَا حَدَّ الْأَسْتَبْصَارِ حَتَّى يَعْرِفَنِي بِالنُّورَانِيَةِ فَإِذَا عَرَفَنِي بِهَا كَانَ مُسْتَبْصِرًا بِالْغَا كَامِلًا... (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۶، ص ۷)؛ «هیچ کس از شیعیان به بصیرت نمی‌رسند مگر اینکه با شناخت من به نورانیت برسند پس هنگامی که مرا به این مقام شناختند بطور تمام و کمال بصیرت یافته اند...»

در اینجا لازم به ذکر است که بر اساس مبانی اعتقادی شیعه هر کسی لیاقت قرار گرفتن در رأس حکومت را ندارد، بلکه آن کسی شایستگی قرار گرفتن در رأس حکومت را دارد که بدون انگیزه‌های فردی و دنیایی و با پشتوانه الهی در مسیر پیاده نمودن احکام خدا قدم بردارد لذا این مسئولیت در مرتبه اول بر عهده پیامبران، سپس ائمه اطهار علیهم‌السلام گذاشته شده است. خداوند متعال می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا (نساء: ۵۹)؛ «ای اهل ایمان! از خدا اطاعت کنید و (نیز) از پیامبر و صاحبان امر خودتان (که امامان از اهل بیت اند و چون پیامبر دارای مقام عصمت می‌باشند) اطاعت کنید. و اگر درباره چیزی (از احکام و امور مادی و معنوی و حکومت و جانشینی پس از پیامبر) نزاع داشتید، آن را (برای فیصله یافتن) اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، به خدا و پیامبر ارجاع دهید؛ این (ارجاع دادن) برای شما بهتر و از نظر عاقبت نیکوتر است.

شناخت ولایت و پیروی و اطاعت از امام زمان بسیار مهم و سودمند می‌باشد چنانکه در تفسیر آیه فوق از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده است که:

جابر انصاری می‌گوید: ... پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مورد علی علیه‌السلام فرمود: «قسم به آنکه که جانم به دست اوست، من مأمور شدم که به شما فرمان دهم تا با او بیعت کنید و اطاعتش کنید، پس با او بیعت کنید و از او فرمان ببرید که در این مورد وحی نازل شده: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ. جابر گفت: با او

بیعت کردیم. رسول خدا ﷺ فرمود: «اگر بر روش علی علیه السلام در ولایت او، استوار بمانید، به شما آب گوارا بنوشانیم، و نعمت (خدا را) از بالا و زیر پای خود دریافت خواهید کرد، و اگر بر آن استوار نشوید اتحادتان به هم می خورد و دشمن شاد می شوید. (و بر اثر فتنه ی یهود) موبه موپیرو بنی اسرائیل می شوید، حتی اگر به سوراخ سوسماری رفته باشند، شما هم به دنبالشان به آنجا می روید (و ذلیل می شوید). خوشا بر کسی که پس از من بر ولایت علی علیه السلام استوار بماند تا بمیرد و به من ملحق شود که (در این صورت) من از او خشنودم. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۷، ص ۱۲۵)

۲-۴. داشتن فکر و اندیشه و تجزیه تحلیل مسائل

از دیگر اموری که انسان را به بصیرت سوق می دهد اندیشه و تجزیه و تحلیل جریانات سیاسی و اجتماعی می باشد.

علی علیه السلام در این باره می فرماید:

«أفکر تستبصر» «فکر کن تا بصیرت یابی» «لا بصیرة لمن لا فکر له». «نیست بصیرتی

از برای کسی که نباشد فکری از برای او». (آمدی، ۱۴۰۱، ص ۵۷)

در اهمیت و ارزش اندیشه و خردورزی همین بس است که بیش از سیصد آیه در قرآن کریم بشر را به تعقل و تدبر دعوت و تشویق می کند.

راز این دعوت ها و تشویق ها بصیرت آفرینی و بینایی بخشی تفکر و خردورزی است؛ خداوند در آیه های متعدد قرآن از آفرینش شب و روز خورشید و ماه و ستارگان و آمد و شد پیایی آنها و دریاها و صحراها و موجودات جاندار و غیر جاندار به عنوان آیات و نشانه های وجود خود نام برده و به تفکر و تدبر در آنها دعوت می کنند و از زنده شدن مردگان در روز قیامت اظهار تعجب می کنند و آن حقیقت را تکذیب می کنند می فرماید:

أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَ زَيَّنَّاهَا وَ مَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ- وَ الْأَرْضِ مَدَدْنَاهَا وَ أَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ-تَبْصِرَةٌ وَ ذِكْرَى لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ (ق: ۶-۸)؛ «آیا با تأمل به آسمان بالای سرشان ننگریستند که چگونه آن را بنا کرده و بیاراستیم و آن را هیچ شکاف (و ناموزونی) نیست؟ و زمین

را گسترديم و کوه هايي استوار در آن افکنديم و در آن از هر نوع گياه خوش منظر و دل انگيزي رويانديم، تا براي هر بنده اي که (با انديشيدن در نظام هستي) به سوي خدا باز مي گردد، مايه بينايي و يادآوري باشد»

البته براي رسيدن به تحليل صحيح نسبت به جريانات بخصوص جريانات سياسي بايد مواد اصلي آن که اخبار صحيح مي باشد را از مجاري صحيح کسب نموده سپس نسبت به آنها فکر و تجزيه و تحليل نمود.

۳-۴. پيروي از عالمان وارسته

امام محمد باقر عليه السلام در وصف علماء رباني مي فرمايد:

العالم معه شمعها تزيل ظلمه الجهل و الحيره فكل من اضاءت له فخرج بها من حيره أو نجا بها من جهل... (طبرسي، ۱۴۰۳، ج ۱ ص ۱۷)؛ «عالم مانند کسی است که به همراه خود شمعی دارد که به وسیله آن ظلمت جهل و حیرت از بین می رود و هر کس که به نور آن روشنی یافت پس از حیرت خارج شده و از جهل نجات می یابد.

قرآن مجید در این رابطه درباره اوصاف پیامبر صلی الله علیه و آله و آثار آن می فرماید:

فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَئِنْ لَهِمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (آل عمران: ۱۵۹)؛ (ای پیامبر!) پس به مهر و رحمتی از سوی خدا با آنان نرم خوی شدی، و اگر درشت خوی و سخت دل بودی از پیرامونت پراکنده می شدند؛ بنابراین از آنان گذشت کن، و برای آنان آمرزش بخواه، و در کارها با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن؛ زیرا خدا توکل کنندگان را دوست دارد.

۴-۴. عبرت گرفتن از مسائل گوناگون

اگر کسی بطور دائم از آنچه که پیرامونش می گذرد و یا در گذشته به وقوع پیوسته به دیده عبرت نگاه کند به راحتی می تواند به نتیجه جريانات واقف شده و با بصیرتی که پیدا می کند از گرفتار شدن از هلاکت نجات پیدا کند.

حضرت علی علیه السلام در این خصوص فرموده اند:

«فی کلّ اعتبار استبصار» (آمدی، ۱۴۰۱، ص ۴۷۲)؛ در هر عبرت گرفتنی بصیرتی است». همچنین در بیان دیگری این امر را منوت به دوام عبرت گرفتن دانسته اند و بیان داشته اند: «دوام الاعتبار یؤدّی لی الاستبصار». (همان، ص ۴۷۲)

قرآن مجید، در این رابطه می‌فرماید:

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ (حج: ۴۶)؛ «آیا در زمین گردش نکرده اند تا برای آنان دل‌هایی (بیدار و بینا) پیدا شود که با آن بیندیشند یا گوش‌هایی که با آن (اندرزها را) بشنوند؟ حقیقت این است که دیده‌ها کور نیست بلکه دل‌هایی که در سینه هاست، کور است!».

۴-۵. ذکر و یاد الهی

از دیگر راههای رسیدن به بصیرت ذکر و یاد الهی می‌باشد حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند:

«من ذکر الله استبصر» (آمدی، ۱۴۰۱، ص ۱۸۹) «هر که یاد کند خدا را بصیرت یابد».

حضرت امام باقر علیه السلام در تفسیر و تبیین آیه فوق چنین فرموده اند:

مؤمن همواره در کار مبارزه با نفس خویش است تا بر هوس آن چیره آید. گاه نفس خود را از کژی و انحراف به راستی می‌آورد و در راه محبت خدا با هوای نفس مخالفت می‌ورزد گاه نفس او را بر زمین می‌افکند و در نتیجه پیرو هوس آن می‌گردد اما خداوند دستش را می‌گیرد و بر می‌خیزد و خدا لغزش او را می‌بخشد و مؤمن به خود می‌آید و به توبه و ترس از خدا پناه می‌برد و بر اثر افزایش ترسش از خدا بر بصیرت و معرفت او افزوده می‌گردد. (حرانی، ۱۴۲۹، ص ۲۸۴)

در روایات دیگری که از پیشوایان معصوم ما نقل شده است با عبارات گوناگون بصیرت را ره آورد یاد خدا می‌داند و یاد آور می‌شود که حق تعالی روشنی دیدگان و هدایت کننده خردها است. قرآن مجید نیز می‌فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ (اعراف:

(۲۰۱)؛ مسلماً کسانی که (نسبت به گناهان، معاصی و آلودگی‌های ظاهری و باطنی) تقوا ورزیده اند، هرگاه وسوسه‌هایی از سوی شیطان به آنان رسد (خدا و قیامت را) یاد کنند، پس بی‌درنگ بینا شوند (و از دام وسوسه‌هایش نجات یابند).

۵. مستندات قرآنی موانع کسب بصیرت

برخی از امور و گرایش‌ها در وجود انسان مانع از بصیرت یافتن وی می‌گردد بگونه‌ای که با وجود یقین به حقانیت موضوعی، آن را نادیده گرفته و چشم بصیرت خود را نسبت به آن فرو می‌بندد که در اینجا به دو مورد اشاره می‌کنیم:

۱-۵. دل‌بستگی به دنیا

حضرت علی علیه السلام در این خصوص می‌فرماید:

انّ الدّنيا دار محن، و محلّ فتن، من ساعاها فاته، و من قعد عنها و اتته، و من ابصر اليها اعمته... بدرستی که دنیا خانه محنتهاست، و جایگاه فتنه هاست، کسی که طلب کند آن را هلاکش کند؛ و کسی که به دنبالش نباشد را، با او بنیکوئی همراهی کند؛ و هر که نظر کند بسوی آن، کور گرداند او را (چشم بصیرت را از او می‌گیرد)... (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۶۳۷)

نمونه‌های تاریخی این گروه از افراد نیز همچون «عمر سعد» ها که به خاطر دل‌بستگی دنیا، چشم بصیرت خود را کور کردند و به مبارزه با حق پرداختند کم نیستند.

یکی از عوامل اصلی کمبود بصیرت گرایش به دنیا و وابستگی بیش از اندازه به امور دنیوی است که باعث می‌شود برخی افراد دانسته به خاطر حفظ مقام و مسئولیت ثروت و دارایی و دنیا را بر آخرت مقدم دارند و کور و کر واقعی گردند و چشم خود را بر حقایق ببندند.

معمولاً کسانی که در زندگی دنیا در رفاه و نعمت زندگی می‌کنند و همه نوع وسایل آسایش و التذاذ بر ایشان فراهم است به وضع موجود خویش دل‌ستگی شدید پیدا می‌کنند تا آنجا که اگر احساس کنند چیزی این وضع را به خطر می‌اندازد مایل نیستند ذهن خود را به آن مشغول سازند و برعکس به مبارزه با آن بر می‌خیزند.

خداوند در سوره نحل در پاسخ به کسانی که قرآن را تکذیب می‌کردند می‌فرماید: «دروغگو کسانی هستند که آیات خداوند را انکار می‌کنند و سپس در توضیح علت این که برخی آیات الهی را انکار می‌کنند و بعد از ایمان به خدا کافر می‌شوند می‌فرماید:

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ - أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمِعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (نحل: ۱۰۷-۱۰۸)؛ اینان کسانی هستند که خدا بر دل و گوش و چشمشان مهر (شقاوت) زده، و اینان بی‌خبران واقعی‌اند. این (خشم و عذاب بزرگ) به سبب آن است که زندگی دنیای زودگذر را بر آخرت ترجیح دادند، و مسلماً خدا مردم کفر پیشه را هدایت نمی‌کند.

مقام معظم رهبری در این خصوص در توصیه‌ای به جوانان عزیز می‌فرماید: «بیسجیان عزیز هر جای کشور که هستید این بصیرت را روز به روز زیاد کنید. نگذارید بعضی از نیازهای مادی و مسائل کوچک، جلوی بصیرت‌ها را بگیرد». (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رهبری با فرماندهان بسیج سراسر کشور ۷۱/۸/۲۷)

۲-۵. گرفتار شدن به شهوات و لذتها

مقام معظم رهبری در سخنرانی‌های مکرر خود نسبت به تهاجم فرهنگی هشدار داده و در یکی از این سخنرانی‌ها فرموده‌اند:

«سیاست امروز سیاست اندلسی کردن ایران است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جوانان و دانشجویان سیستان و بلوچستان، ۶ فروردین ۱۳۸۱)

علتش همین است که وقتی جامعه‌ای مشغول و گرفتار شهوات شد دیگر بصیرت خور را نسبت به مسائل پیرامونی از دست می‌دهد و همچون اندلس ممکن است کشور را تقدیم کفار نماید.

از دیدگاه قرآن ریشه کوردلی و ناشنوایی نصایح و سخنان حق و نیز عدم تعقل و تفکر درباره حقائق و امور عبرت‌آموز و فراموشی آخرت پیروی از هوای نفس و خواسته دل است بر این اساس راه سالم ماندن قوای ادراکی دل و عقل و نجات از تیرگی‌ها و ظلمت‌ها و دستیابی به سعادت پرهیز از هواپرستی و آلودگی‌های نفسانی است چنان که خداوند به حضرت داوود علیه السلام می‌فرماید:

يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ
الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ (ص: ۲۶)؛ ای داود! همانا تو را در زمین جانشین
(و نماینده خود) قرار دادیم؛ پس میان مردم به حق داوری کن و از هوای نفس پیروی
مکن که تو را از راه خدا منحرف می‌کند.

منظور از پیروی هوای نفس این است که معیار و محرک انسان در رفتار هایش خواست دل
باشد و فرد آنچه را دلش بخواهد انجام دهد هر چند خداوند او را از آن کار باز داشته باشد او
در این صورت به دنبال خواسته‌های دل بوده و حلال و حرام خدا برایش یکسان است.
زمانی که چندین بار انسان از هوای نفسش پیروی کرد و رفتارش با خواهش و خواست
دلش هماهنگ شد و دنباله روی نفسش ملکه و محرک اصلی تصمیماتش گردید از درک حقایق
عاجز می‌ماند و عقل و فکرش مغلوب هوای نفس شده از فهم و درک صحیح باز می‌ماند.

۶. مستندات قرآنی نتایج بصیرت

اینجا برخی از مهم ترین نتایج و آثار بصیرت مورد بیان قرار می‌گیرد:

۱-۶. پرفروغ شدن معنویت تعالی بخش

ایمان و معنویت از مهم ترین عوامل تعالی و رشد انسان است. در سایه ایمان و معنویت
است که انگیزه ها، اهداف، عواطف و افعال، همگی، برای تحقق هدف واحدی که
«خشنودی خداوند» است، همگرایی می‌یابند و آمال و اهداف دنیوی، نفسانی و شیطانی و
هرچه که غیرخداست و اسباب تنش و کشمکش و حسد و رذایل اخلاقی است کم رنگ
می‌گردند. وقتی باور و ایمان قطعی و تزلزل ناپذیر در دل انسان جای بگیرد، دل را هم وزن
کوه‌ها می‌گرداند و این چنین قلبی دیگر از جای خود تکان نمی‌خورد، همان طور که خداوند
متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (احقاف: ۱۳)
«محققاً کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست، سپس، ایستادگی کردند، بیمی بر
آنان نیست و غمگین نخواهند شد».

امام خامنه ای (مدظله العالی) در اشاره به این حقیقت می‌فرماید:

نیروهای مسلح توانمند آن نیروهایی هستند که انگیزه و معنویت و عزم راسخ در آنان بتواند روش‌های آنها، رفتارهای آنها و حرکت آنها را در عرصه‌های مسئولیت شکل بدهد، جهت بدهد و هدایت کند. اگر ایمان نباشد، بصیرت نباشد، عزم راسخ نباشد، نگاه بلندمدت به انتهای صفوف دشمن نباشد، تعداد جمعیت یا کثرت عدّه و عدّه نظامی و تجهیزات سرنوشت ساز نخواهد بود؛ جمعیت زیاد در نیروهای مسلح یا حتی تجهیزات پیشرفته یا حتی آموزش‌های روزآمد به تنهایی کافی نیستند که نیروهای مسلح متعلق به یک کشور و ملت را موجب توانایی و اقتدار آن ملت قرار بدهند؛ لازم است ایمان باشد، عزم باشد، احساس مسئولیت باشد، فهم حقیقت مسئولیت نیروهای مسلح وجود داشته باشد؛ اینهاست که می‌تواند نیروهای مسلح را به معنای واقعی کلمه رکن اقتدار یک ملت قرار بدهد. (بیانات مقام معظم رهبری بیانات در هشتمین مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش: ۱۳۹۳/۸/۲۶).

قطعاً، اگر بصیرت دینی پاسداران ارتقا یابد و به معرفتی عمیق راه یابند، ثمره و نتیجه آن چیزی جز تجلی ایمان و ظهور معنویت نخواهد بود.

۲-۶. تقویت روحیه مقاومت و پایداری

مقاومت و پایداری در راه هدف و رسیدن به کامیابی و پیروزی یک اصل مهم و بنیادی به شمار می‌آید. تاریخ امت‌ها و اقوام پیشین نشان می‌دهد کسانی که در سختی‌ها برابر دشمنان خود مقاومت کردند، سرانجام، بر آنها پیروز شده‌اند، اما اقوام و مللی که در برابر ظلم و ستم دشمنان سکوت کرده و تسلیم سلطه آنها شده‌اند، با خفت و خواری زیسته‌اند و حتی ابزار دست دشمنان گشته‌اند. امروزه نیز، استقامت و پایداری بهترین گزینه امت اسلام برای رسیدن به قله‌های عزت و افتخار است.

قرآن کریم در تحلیل ارتباط بصیرت و استقامت از آن به عنوان عامل تقویت روحیه مقاومت و صبر در مؤمنان یاد می‌کند، به طوری که با وجود آن، مؤمنان چنان قدرتی پیدا می‌کنند که بیست نفر آنها بر دویست نفر کفار غلبه پیدا می‌کند:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا
مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ
(انفال: ۶۵)؛ ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تشویق کن! هرگاه بیست نفر از
شما با استقامت باشند بر دویست نفر غلبه می کنند و اگر صد نفر باشند بر هزار نفر
از کسانی که کافر شدند پیروز می گردند، چراکه آنها گروهی هستند که نمی فهمند.
عبارت «بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ» که خدای تبارک کافران را به آن توصیف می کند نشانگر این
است که مؤمنان صابر، در مقابل، برخوردار از بصیرت و فهم عمیق اند که با ایستادگی بر ده
برابر خود غلبه می کنند. (طباطبایی، ۱۴۲۲، ج ۹، ص ۱۶۱)

امام خامنه ی نیز در خطاب به فرزندان سپاهی و بسیجی اش می فرماید:
آنچه مانع از توطئه، جنگ و غلبه دشمن می شود ایستادگی و بیداری و حاضر بودن
در میدان مقاومت است و شما عزیزان سپاه و بسیج یکی از برجسته ترین مظهرهای
این ایستادگی و مقاومت هستید. این مقاومت به برکت ایمان است. ایمان تان را هرچه
می توانید تقویت کنید، به برکت بصیرت است بصیرت و خودآگاهی را هرچه
می توانید بیشتر کنید. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار بسیجیان و سپاهیان لشکر ۲۵
کربلا، ۱۳۸۲/۶/۲۹)

۳-۶. زمینه ساز درک وظایف و مبنای عمل به تکالیف دینی

کمال و سعادت مطلوب همه انسان ها و مدعای تمام مکاتب است، اما در تشخیص حقیقت
سعادت و راه وصول و دستیابی به آن اختلاف است. اسلام سعادت حقیقی و کمال واقعی
انسان را خدایی شدن و تقرب هرچه بیشتر به مبدأ همه کمالات و کمال نامتناهی می داند و
هدف و مطلوب حقیقی انسان را خدا معرفی می کند و راه رسیدن و حداقل وارد شدن در مسیر
سعادت را متابعت از رسولان الهی و ورود به صراط مستقیمی می داند که به وسیله آنان ارائه
شده است و تمام استعدادها و توانمندی های انسانی را هدایت و شکوفا می کند و آن را به
بهترین وجه به فعلیت می رساند. قرآن کریم بعد از بیان ویژگی های متقین، دین و دستورات آن
را عامل هدایت و سعادت انسان معرفی می کند و می فرماید:

«أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ (بقره: ۵) «آنان بر طریق هدایت پروردگارشان اند و آنان رستگاران اند».

در آیه ای دیگر، پذیرش دین و پیروی از دستورات آن را عامل دستیابی به حیات حقیقی و بهره مندی از وجودی الهی معرفی می کند و می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ؛ (انفال: ۲۴) ای کسانی که ایمان آورده اید، دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید، هنگامی که شما را به سوی چیزی می خواند که شما را حیات می بخشد.

بی شک، به سلامت طی نمودن مسیر دینداری و برخوردار شدن از سعادت و حیات طیبه در گرو فهم درست و جامع از حقایق دین است، چراکه به تعبیر رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی)، «دینداری بدون بصیرت ممکن است انسان را به بیراهه بکشاند.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم قم: ۱۳۸۲/۶/۲۹)

این حقیقتی است که قرآن کریم این چنین بدان اشاره می کند:

قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ (انعام: ۱۰۴)؛ دلایل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آمد؛ کسی که به وسیله آن، حق را ببیند، به سود خود اوست، و کسی که از دیدن آن چشم بپوشد، به زیان خودش می باشد؛ و من نگاهبان شما نیستم.

پس این بصیرت و روشن بینی است که موجب درک و فهم درست حقایق می گردد و بستر را برای شناخت وظایف و عمل به آنها را فراهم می سازد. درحقیقت، با بصیرت است که انسان صاحب معرفت، شناخت و علم به وظایف و تکالیف دینی می گردد و عواملی همچون غفلت و اشتباه نمی تواند او را در میدان عمل به انحراف بکشاند. امیرمومنان علی (علیه السلام) در برخورد با معاویه و اعوانش در اشاره به نقش عامل بصیرت در تشخیص وظیفه و عمل آن می فرماید:

شب ها خوابم نبرد و نشستم در آغاز و انجام این کافر فکر کردم و آن را بررسی نمودم و به این نتیجه رسیدم که امر من دایر است بین دو چیز و باید یکی از این دو را برگزینم: یا باید با اینها بجنگم و یا دست از دین محمد (صلی الله علیه و آله) بردارم (شریف رضی، نهج البلاغه، خطبه ۴۳ و ۵۴).

۴-۶. تقویت قدرت تشخیص و تمایز حق و باطل و حرکت در صراط مستقیم

در سیر انسان به سوی پیروزی و هدف، همواره پرتگاه‌ها و بیراهه‌هایی وجود دارد که اگر آنها را نبیند یا نشناسد و از آنها پرهیز نکند، چنان سقوط می‌کند که اثری از او باقی نمی‌ماند. بدین جهت، در این راه، مهم‌ترین چیز شناخت دقیق حق از باطل و اسباب نیک بختی از نگون بختی است. مشکل این است که در مواردی، انسان دچار اشتباه شده، بیراهه را شاهراه و دشمن را دوست می‌پندارد. امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در این باره می‌فرماید:

همه مایل اند حق را تعقیب کنند و به آن عمل نمایند. همه مایل اند از باطل اجتناب کنند. البته، غیر از انسان‌هایی که وجودشان به آتش قهر الهی تبدیل شده است و مظهر شیطان اند، عموم مردم و انسان‌های دارای عقل و انصاف و صفات انسانی می‌خواهند از باطل اجتناب بکنند و به حق گرایش پیدا نمایند. اما تشخیص اینها همیشه آسان نیست. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم: ۱۳۶۸/۷/۱۲)

اینجاست که بینش و درکی نیرومند و روشن بینی سطح بالایی می‌طلبد تا به یاری او آید و بتواند، به درستی، به سوی هدف پیش رود. درک و فهم عمیق، صحیح، جامع و واقع بینانه از دین و معارف آن (بصیرت دینی) به انسان قدرت تشخیص حق و باطل می‌دهد و او را در برابر فتنه‌ها و توطئه‌های دشمنان نظام اسلامی ایمن و مصون داشته، بسترهای انحراف و لغزش‌های فکری و عملی را از بین می‌برد و با راهبری آدمی در صراط مستقیم، ضمن جلوگیری از انحراف و به زیان افتادن، او را به زندگی حقیقی و حیات طیبه رهنمود می‌سازد:

وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (انعام: ۱۵۳)؛ و مسلماً این (برنامه‌های محکم و استوار و قوانین و مقررات حکیمانه) راه راست من است. بنابراین، از آن پیروی کنید و از راه‌های دیگر پیروی نکنید که شما را از راه او پراکنده می‌کند؛ خدا این گونه به شما سفارش کرده تا پرهیزگار شوید.

براساس این آیه، یگانه راه سعادت و خوشبختی انسان شناخت مسیر درست دینداری و قدم گذاشتن در صراط مستقیم است و ابزار شناخت آن برخورداری از فهم، بینش و بصیرت دینی است. امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نیز در اشاره به این کارکرد بصیرت می‌فرماید:

اگر باطل با حق مخلوط نمی‌شد، بر طالبان حق پوشیده نمی‌ماند، و اگر حق از باطل جدا و خالص می‌گشت، زبان دشمنان قطع می‌شد. اما قسمتی از حق را می‌گیرند و قسمتی از باطل را و به هم می‌آمیزند. آنجاست که شیطان بر دوستان خود چیره می‌شود و تنها آنان که مشمول لطف و رحمت پروردگارند نجات خواهند یافت (کلینی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۵۴).

دلیل تأکید امام خامنه‌ای نیز بر بصیرت داشتن نیروهای انقلابی و حافظان ارزش‌های انقلاب این است که اگر عقاید، افکار و آرای این نیروها مبتنی بر دلیل‌های روشن و محکم باشد، سبب می‌شود که به آسانی از راه صحیح خود منحرف نشوند (بیانات مقام معظم رهبری: ۱۳۸۸/۷/۱۵).
معظم له، در بیانی، از بصیرت به عنوان قطب‌نمایی یاد می‌کند که در بیابان غبارآلود فتنه و گمراهی‌ها، راه و مقصد را می‌نمایاند و صراط مستقیم را نشان می‌دهد:

بصیرت نورافکن است؛ بصیرت قبله‌نما و قطب‌نماست. توی یک بیابان انسان اگر بدون قطب‌نما حرکت کند، ممکن است تصادفاً به یک جایی هم برسد لیکن احتمالش ضعیف است. احتمال بیشتری وجود دارد که از سرگردانی و حیرت، دچار مشکلات و تعب‌های زیادی شود. قطب‌نما لازم است. .. بصیرت قطب‌نما و نورافکن است. در یک فضای تاریک، بصیرت روشنگر است؛ بصیرت راه را به ما نشان می‌دهد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم: ۱۳۸۹/۸/۴)

نتیجه

در این تحقیق بیان شد که بصیرت باعث می‌شود که انسان بداند که اگر می‌خواهد به هدف برسد، چه چیزهای را نیاز دارد و دیگر اینکه بصیرت باعث می‌شود آدم دوست و دشمن را درست بشناسد و موانعی که در راه رسیدن به هدف است، آنها را خوب تشخیص بدهد و اگر این بصیرت نباشد ممکن است آدم بجایی اینکه به دشمن ضربه بزند، دوست خودش را ضرر می‌رساند. اما بصیرت برای موفقیت شرط لازم است ولی کافی نیست زیرا بعد از بصیرت تصمیم درست برای اقدام و عدم لجاجت و غیره نیز ضروری می‌باشد.

کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ابن اثیر، علی بن محمد، **الکامل فی التاریخ**، دارصدر- بیروت لبنان، ۱۳۸۵ق.
- ابن فارس، احمد بن فارس، **معجم المقاییس اللغة**، مکتب الإعلام الإسلامی، مرکز النشر، قم، ایران، ۱۴۰۴ق.
- ابن منظور، **لسان العرب**، تصحیح امین محمد عبدالوهاب و محمدالصادق العبدی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۱۶ق / ۱۹۹۶م.
- آقاجمال خوانساری، محمد بن حسین، **شرح محقق بارع جمال الدین محمد خوانساری بر غُرر الحکم و دُرر الکلم**، مؤسسه انتشارات و چاپ، تهران، ۱۳۶۶ش.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد، **تصنیف غررال حکم و درر الکلم**، مکتبه الاعلام الاسلامی، اول، قم، ۱۴۰۱ق.
- امینی، عبدالحسین، **الغدير فی الكتاب والسنة والادب**، چاپ سوم، لبنان، دارالکتب العربیه، ۱۳۸۷ق.
- بیانات رهبر معظم در دیدارهای مردمی، وب سایت www.khamenei.ir
- جواد، محدثی؛ **پیامهای عاشورا**، قم، انتشارات تحسین، چاپ دوم، ۱۳۸۱ش.
- حرانی، ابن شعبه، **تحف العقول عن آل الرسول ﷺ**، بیروت، منشورات الفجر، ۱۴۲۹ق.
- حراملی، محمد بن حسن، **اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات**، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت-لبنان، اول، ۱۴۲۵ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات الفاظ قرآن**، المکتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه، ۱۳۸۳.
- شریف الرضی، محمد بن حسین، **نهج البلاغه**، محقق/ مصحح: صبحی صالح، هجرت، قم، اول، ۱۴۱۴ق.
- طباطبایی، محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت، مؤسسه العلمی، ۱۴۲۲ق.
- طبرسی، احمد بن علی، **الإحتجاج علی أهل اللجاج**، محقق، مصحح، خرسان، محمد باقر،

- مشهد، نشرالمرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، دارالمعرفة، بیروت-لبنان، دوم، ۱۴۰۸ق.
- طبری، محمد بن جریر بن یزید، **تاریخ الطبری**، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، **ترتیب العین**، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ق.
- گروه نویسندگان، **بصیرت و استقامت** (بیانات مقام معظم رهبری درباره بصیرت و استقامت با ضمیمه فتنه)، گردآوری و تنظیم، مرکز صهبا، تهران، ۱۳۸۹ش.
- مجلسی، محمد باقر، **بحارالانوار**، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، ش ب ۱۲۲۵ تا ۱۲۳۲.
- مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، دارالمفید، ۱۴۱۴ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامی، بیست و یکم، ۱۳۷۳ش.
- نقشه ی نقش بر آب (مروری بر بیانات آیت الله العظمی سید علی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب پیرامون فتنه سال ۸۸)، ناشر: انتشارات انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۹۴ش.
- هشتاد و هشت قطعه از بیانات مقام معظم رهبری درباره فتنه ۸۸، گردآوری: کوثری محمد مهدی، ناشر: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۹۰ش.

